

تئوری جامعه‌شناختی اقتصاد مقاومتی با رویکردی به نظرات بینان‌گذار انقلاب اسلامی

سید مهدی نژادهاشمی^۱

دکتر علی بهرامی نژاد^۲

چکیده

الگوی اقتصاد مقاومتی یک الگوی اسلامی، با توجه به ظرفیتهای، توانایی‌ها، منابع مالی و انسانی است که در صدد پوشش نقاط ضعف جامعه و از طرفی دیگر توانایی اتکا بر نقاط قوت اقتصاد داخلی می‌باشد، در این راستا، تحقق پیدا می‌کند که نیت، عمل و وسیله‌ی رسیدن به اهداف اقتصادی، در جهت منافع مسلمین باشد و بر اساس قاعده‌ی نفی سبیل می‌بایست راه‌های سلطه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، کشورهای اجنبی بر ممالک اسلامی مسدود شود، لذا ما در این تحقیق از یک سو به بررسی قصد و نیت در عقود در راستای مقاصد شارع پرداخته و از سوی دیگر به تهدیداتی که از جانب کشورهای سلطه‌گر بر اقتصاد کشورهای اسلامی می‌تواند وارد شود با توجه به بیانات مقام معظم رهبری و حضرت امام خمینی (ره) پرداخته‌ایم، تا طرق سوء استفاده و نقاط ضعف پوشش داده شود و جامعه اسلامی اقتصادی مقاوم در برابر تهدیدات دورنی و بیرونی (اجنبی) داشته باشد.

واژه‌گان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، مقاصد الشریعه، تهدیدات، قصد، عقود.

۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق و اندیشه‌های امام خمینی(ه)، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Shorideh30@gmail.com

۲- استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
ali.b.nejad@gmail.com

مقدمه

آنچه در اقتصاد اسلامی نسبت به دیگر جوامع اقتصادی بروز و ظهور بیشتری دارد، صحت قراردادها از لحاظ ظاهری و باطنی می‌باشد، در این اقتصاد، نیت و اعمال می‌بایست در جهت اهداف و اغراض شارع مقدس باشد و هماهنگی بین اعمال و نیت در جهت مصالح جامعه‌ی اسلامی از اهمیت شایانی برخوردار است، لذا در جامعه‌ی اسلامی با نظر به حدیث نبوی الاعمال بالنیات، و قاعده‌ی نفی سبیل، اولاً، هیچ مسلمانی نمی‌تواند، از طرق نامشروع کسب مال نماید ثانیاً، یا اینکه اجازه دهد کشور های اجنبی سلطه اقتصادی، سیاسی، یا اجتماعی و فرهنگی بر کشورهای مسلمان داشته باشند در این راستا فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی ما رابرآن داشت به تحقیقی پردازیم تا به این سوال پاسخ داده شود که قصد و نیت چه تاثیر در عقودی که با مصالح جامعه‌ی اسلامی همراه نمی‌باشد دارد؟ که با توجه به قاعده‌ی نفی سبیل و فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی به این نتیجه رهنمود می‌شویم که کلیه مقاصدی که به ضرر منافع کشورهای اسلامی منجر شود آن عقود از اساس باطل و عمل به آن حرام می‌باشد مبین این مطلب از طرفی علاوه بر قاعده نفی سبیل، اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز می‌باشد که سیاست خارجی ایران باید بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری تنظیم شود. و از طرفی دیگر حدیث نبوی الاعمال بالنیات می‌باشد که ما بصورت مختصر در ذیل به آن موارد خواهیم پرداخت.

^۱ اصل یکصد و پنجاه و دو: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است.

حدیث نبوی الاعمال بالنیات:

«أَمَّا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ أَمَّا لِكُلِّ أَمْرٍ ء مَانَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ فَهَاجَرَتْهُ إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يَصِيبُهَا أَوْ أَمْرًا يَنْكُحُهَا فَهَاجَرَتْهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ»

عملها به نیت است، و هر کس را آن چیزی است که نیت کرده است؛ هر که هجرتش به سوی خدا و رسول او بوده، هجرتش به خدا و رسول اوست، و هر که هجرتش به سوی دنیایی بوده است که بدان رسد یا زنی که با او همسر شود، هجرتش به همان چیزی است که آهنگ آن کرده است (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۱: ۳۰)

نزد فقها چنین مشهور است که سبب این فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله آن است که مردی از مکه به مدینه هجرت کرد. اما نه بدان هدف که فضیلت هجرت را به چنگ آورد، بلکه بدان هدف که با زنی به نام ام قیس ازدواج کند. پیامبر صلی الله علیه و آله به او خبر داد که تنها بهره او از هجرتش همان چیزی است که در سر پروراند و در دل نهان داشته است، نه آنچه آشکار ساخته و از آن سخن رانده است. گفته اند: از همین روی در این حدیث از میان همه هدفهای دنیایی تنها از آن زن نام برد شده است (عسقلانی، ۱۳۰۱، ج ۱: ۷-۱۳)

از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده که فرمودند «کرده‌ها به نیت هاست و برای هر کس است آنچه خود نیت کرده است» (حرعاملی، ۱۴۱۳، ج ۱، باب ۵: ۳۵) این حدیث دلالت دارد بر اینکه اعمال تابع مقاصد و نیات افراد است، ابن حجر می‌گوید از این حدیث ابطال هر عملی که قصد آن مخالف قصد شارع از جمله حیل باشد، اعتبار شده است زیرا دلالت می‌کند هر عملی به نیت و قصد آن بستگی دارد و هر کسی قول و عملش یکی نیست بنده ی پروردگار نمی‌باشد (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۰۱ ج ۱۲: ۳۲۷-۳۲۸) ابن تیمیه استدلال بر این حدیث را از باب سد ذرایع و ابطال حیل و هر آنچه با مقاصد الشریعه ناسازگار است را مورد تأکید قرار می‌دهد (ابن تیمیه، ۱۴۱۸، ج ۶: ۳۱) بحیری می‌گوید «این حدیث بر آن

دلالت می‌کند که هر عمل چیزی جز واقعیت آن و هر عقد چیزی جز حقیقت آن نیست، و بدین سان هر که به عقد بیع ربا خواهد در ربا افتد و صورت بیع او را از گناه ربا نرہاند؛ هر که به عقد نکاح، تحلیل خواهد محلل است و مشمول تهدید به لعنی که برای محلل آمده است، و صورت نکاح او را از این لعن نمی‌رہاند. همچنین حدیث بر این دلالت دارد که هر چه از آن حرام کردن حلال خدایا حلال کردن حرام خدا قصد شود گناه است، و در گناه بودن حیلہ برای انجام کار حرام هیچ تفاوتی نمی‌کند که کار حرام را انجام دهد یا آنچه را در شرع برای هدفی دیگر وضع شده است وسیله ای برای رسیدن به حرام قرار دهد.» (بحیری، ۱۳۷۶: ۱۵۲)

از سیاق کلام فقہای اسلامی روشن است هرگونه قصد و نیتی که خلاف نیت و اغراض و اهداف شریعت و شارع مقدس باشد تحت هر عنوانی باطل و عمل به آن حرام می‌باشد.

قاعده ی نفی سبیل:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعَكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا هَمَانِ مَنَافِقَانِ كِه دَر اِنْتِظَار فِرْصَتِنْد تَا اِگَر فِتْحِي اَز نَاحِيه خِدا نَصِيْب شِما شُود خُود رَا اَز شِما دَانِستِه، مِي گُويِنْد: مِگَر مَا بَا شِما نَبُودِيْم وَ اِگَر نَصِيْب كَافِرَان شُود بِه اَنَان مِي گُويِنْد: مِگَر نَبُود كِه مَا رِهْنَمُودِهَائِي خُود رَا بِه شِما قَبُولَانْدِيْم وَ نَمِي گُذَاشْتِيْم بِه دِيْن مُؤْمِنِيْن بَگُروِيْد، وَلِي خِدا دَر قِيَامَت بِيْن شِما حَكْم خُواهد كَرْد وَ خِدا تَا اَبْد اِجَازِه نَدَادِه كِه كَافِرَان كَمْتَرِيْن تَسْلَطِي بَر مُؤْمِنَان دَاشْتِه باشِنْد.^۱

فقهای اسلامی از آیات متعدد قرآنی که نفی سلطه‌ی منافقان، یهودیان و کفار^۱ را در بر داشته است قاعده‌ای کلی به نام قاعده‌ی نفی سییل را استخراج نموده‌اند که بر اساس این قاعده هرگونه سلطه بیگانگان بر جامعه اسلامی و مسلمانان از نظر فقه اسلامی، امری نادرست و هرگونه ارتباطی که باعث افزایش و گسترش نفوذ غیرمسلمانان و بیگانگان در جامعه اسلامی گردد به گونه‌ای که آنان بتوانند در امور مسلمین دخالت کنند، ممنوع و حرام تلقی می‌شود، موید قاعده‌ی نفی سییل در روایات روایت «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يُعَلَى عَلَيْهِ وَ الْكُفَّارُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتَى لَا يَحْجُبُونَ وَ لَا يَرْتُونَ» می‌باشد «اسلام نسبت به سایر مکاتب و ملل، همیشه برتری دارد و هیچ چیزی بر آن برتری ندارد و کافران به منزله مرده‌ها هستند، مانع از ارث دیگران نمی‌شوند و خودشان نیز ارث نمی‌برند». (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۳۴)

بر اساس این قاعده، راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود. از نظر سیاسی پذیرفتن تحت الحمایگی، نفی ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی کشورهای اسلامی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مورد تأکید است و از نظر نظامی تسلط بر مقدرات و تدبیر نظامی را نیز در برمی‌گیرد و به لحاظ اقتصادی کلیه‌ی قراردادها و عقود که منجر به استیلا و برتری کشورهای اجنبی بر ممالک اسلامی شود این عقود باطل و عمل به آن حرام می‌باشد، این قاعده دو جنبه دارد یکی ایجابی و دیگری سلبی در جنبه‌ی ایجابی با تطبیق قاعده با اقتصاد مقاومتی می‌توان به این نکته اشاره کرد که می‌بایست

^۱ از موارد دیگری که در آیات قرآن به صورت ضمنی، آیه نفی سییل کافران و استقلال مسلمانان را تأیید می‌کند، می‌توان به عزت مسلمانان، (سوره نساء، آیه ۱۳۹؛ سوره فاطر، آیه ۱۰؛ سوره منافقون، آیه ۸) پذیرفتن سلطه و سرپرستی کافران، (سوره مائده، آیه ۵۱-۵۲) عدم میل و اعتماد به کافران، (سوره هود، آیه ۱۱۳) پیروی نکردن از اهل کتاب و مشرکان، (سوره آل عمران، آیه ۱۴۹-۱۵۰؛ سوره مائده، آیه ۴۹) روی پای خود ایستادن، (سوره فتح، آیه ۲۹) نداشتن دوستی صمیمانه با مشرکان، (سوره آل عمران، آیه ۱۱۸-۱۱۹؛ سوره مائده، آیه ۵۷) و آیاتی که دشمنی کافران و مشرکان با مسلمانان را گوشزد می‌کند و خواستار هوشیاری مسلمانان در برابر نقشه‌ها و توطئه‌های آنان است، اشاره کرد. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲ش، ج ۳، ص ۱۵۴).

راهکارهایی دقیق و مستحکم جهت حفظ استقلال، سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی بوجود آورد تا ممالک اسلامی تحت سلطه و وابستگی کشورهای اجنبی قرار نگیرند، و از جنبه‌ی سلبی، کلیه‌ی قراردادهایی که منجر به سلطه بیگانگان بر منابع اقتصادی و حاکمیتی ممالک اسلامی می‌گردد نفی شده زیرا تمامی آن قراردادها بر اساس این قاعده ناقض اهداف و اغراض شارع مقدس می‌باشد.

ممنوعیت بکارگیری خدعه، حيله، مکر و فریب در اسلام با رویکرد قصد و نیت

کید، خدعه، مکر، حيله و واژه‌هایی مشابه به آن، در واقع از این واژه‌ها در فرهنگ عامه زمانی بهره می‌برند که شخص سعی دارد، خلاف آنچه که ظاهر آن اقتضا دارد کاری انجام دهد و قصد و نیتش خلاف ظاهر عمل باشد همچنین برای کاری که انسان را به مقصود می‌رساند علی‌رغم اینکه ظاهر و باطن یکسان دارد اما ذهن از راه یافتن به آن مقصود غافل است آنچه مسلم است این واژه گان بیشتر در خصوص موارد نکوهیده بکار می‌رود و همین معنا در فرهنگ عامیانه در خصوص این واژه گان شناخته‌تر است با عنایت به همین معنای عامیانه است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «مَنْ كَانَ مُسْلِمًا فَلَا يَمْكُرُ وَلَا يَخْدَعُ؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ الْمَكْرَ وَالْخَدِيعَةَ فِي النَّارِ» کسی که مسلمان باشد، نه نیرنگ می‌زند و نه حيله‌گری می‌کند؛ زیرا از جبرئیل علیه السلام شنیدم که می‌گفت: همانا نیرنگ و حيله‌گری در آتشند (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۴۲، ح ۱۶۱۹۸ و شیخ صدوق، ۱۳۱۷، ج ۲، ص ۵۰، ح ۳۴۵۵۶۵) و در این راستا است که حضرت علی (ع) در باره‌ی مکر و حيله می‌فرمایند: «إِنَّ الْمَكْرَ وَالْخَدِيعَةَ فِي النَّارِ، فَكُونُوا مِنَ اللَّهِ عَلَى وَجَلٍ وَ مِنْ صَوْلَتِهِ عَلَى حَذَرٍ» نیرنگ و حيله‌گری در آتشند پس از خداوند عزّ و جلّ و از یورش او بر حذر باشید (ابن شعبه حرّانی، ۱۲۹۷: ۱۵۴) و یا حضرت در نکوهش، نیرنگ و خدعه می‌فرمایند: «لَوْ لَأَنَّ الْمَكْرَ وَالْخَدِيعَةَ فِي النَّارِ لَكُنْتُ أَمَّكَرَ الْعَرَبِ» اگر نبود که مکر و خدعه در آتشند، هر آینه من مکارترین عرب بودم (شیخ

صدوق، ۱۳۶۸، ج ۱ ص ۲۷۱، ترجمه غفاری ج ۱، ص ۶۱۹، کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۷)، اما برخلاف جنبه های منفی مکر، خدعه، کید، گاه این واژه گان در معنای ستوده بکار می روند در این معنا بدون شک مراد از مکر، خدعه، نیرنگ، برانگیختن مردم به انجام کارها با تدبیر و اندیشیدن است و نوعی چاره جویی مثبت را می رساند مثلاً به کودکی که دارو نمی خورد دارو را آغشته به عسل یا شیرینی کنند تا طعم تلخ آن مزاج کودک را آزار ندهد و مبین خدعه ی مثبت آنجاست که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در جنگ خندق فرمودند: «الْحَرْبُ خُدْعَةٌ» (حرعاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ۱۳۳) و نیز فرمودند: «تُكَلِّمُوا بِمَا ارَدْتُمْ» یعنی آنچه را که می خواهید درباره نابودی دشمن (باگفتن دروغ) به زبان بیاورید، آزاد هستید (حرعاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ۱۳۳) و در تواریخ آمده است که حضرت علی (علیه السلام) در جنگ خندق عمرو بن عبدود را به کار دیگری مشغول کرد و سپس به پای او شمشیر زد که قطع شد. عمرو گفت: ای علی خدعه کردی. حضرت جواب داد «الْحَرْبُ خُدْعَةٌ» جنگ، فریب است. (نجفی، ۱۴۱۴، ج ۲۱: ۷۹) همچنین پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید «ثَلَاثٌ يَحْسِنُ فِيهِنَّ الْكِذْبُ: الْمَكِيدَةُ فِي الْحَرْبِ وَعَدَّتْكَ زُوجَتُكَ وَالْأَصْلَاحُ بَيْنَ النَّاسِ» در سه جا دروغ نیکوست، فریب در نبرد و وعده به همسر خود و سازش دادن میان مردمان. (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ترجمه مدرس گیلانی: ۶۹) و به همین لحاظ است که مفسران با تدبیر در آیات قرآن می فرمایند مکر می تواند دو جنبه ی پسندیده و نکوهیده داشته باشد خداوند متعال می فرماید مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ فَاطِر (۱۰) کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزت برای خداست؛ سخنان پاکیزه به سوی او صعود می کند، و عمل صالح را بالا می برد؛ و آنها که نقشه های بد می کشند، عذاب سختی برای آنهاست و مکر (و تلاش افسادگرانه) آنان نابود می شود (و به جایی نمی رسد)! وَاسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سَنَةَ الْأُولَئِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسَنَةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَكَانَ تَجِدَ لِسَنَةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (فاطر ۴۳) اینها

همه بخاطر استکبار در زمین و نیرنگهای بدشان بود؛ اما این نیرنگها تنها دامان صاحبانش را می‌گیرد؛ آیا آنها چیزی جز سنت پیشینیان و (عذابهای دردناک آنان) را انتظار دارند؟! هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی! در این آیات مکر در معنای ناسپند آن بکار رفته است اما آیه ۵۴ سوره آل عمران: (ومکروا ومکر الله والله خیر الماکرین) "و (دشمنان) مکر ورزیدند و خدا (در پاسخشان) مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است"، آیه ۳۰ سوره انفال: (واذ یمکر بک الذین کفروا لیشتوک او یقتلوک او یخرجوک ویمکرون ویمکر الله والله خیر الماکرین)؛ "و (یاد کن) هنگامی را که کافران درباره تو نیرنگ می‌کردند تا تو را به بند کشند یا بکشند یا (از مکه) اخراج کنند و نیرنگ می‌زدند و خدا تدبیر می‌کرد و خدا بهترین تدبیرکنندگان است"، آیه ۵۰ سوره نمل: (ومکروا مکرا ومکرنا مکرا وهم لا یشعرون)؛ "و دست به نیرنگ زدند و (ما نیز) دست به نیرنگ زدیم و خبر نداشتند". آیه ۲۱ سوره یونس: (واذا اذقنا الناس رحمۃ من بعد ضراء مستهم اذا لهم مکر فی آیاتنا قل الله اسرع مکرا ان رسلنا ینتابون ما تمکرون)؛ "و چون مردم را پس از آسیبی که به ایشان رسیده است رحمتی بچشانیم بناگاه آنان را در آیات ما نیرنگی است بگو نیرنگ خدا سریع تر است در حقیقت فرستادگان (فرشتگان) ما آنچه نیرنگ می‌کنید می‌نویسند". آیه ۴۲ سوره رعد: (وقد مکر الذین من قبلهم فله المکر جمیعا...)؛ "و به یقین کسانی که پیش از آنان بودند نیرنگ کردند ولی همه تدبیرها نزد خداست...". در آیات ۹ سوره بقره و ۱۴۲ سوره نسا، خدعه و فریب نیز به خداوند نسبت داده شده است که از دو جهت جنبه ممدوح آن مراد است از بررسی این آیات شریفه به دومورد پی می‌بریم اولاً، منظور از مکر خدا در این آیات همان تدبیر خداوند و تقدیرهایی است که به حرمان و عذاب بدکاران می‌انجامد، و این تدبیر در مرتبه دوم و پس از مکر بندگان و به مقتضای عدالت عملی پسندیده است؛ ثانیاً، مکر در مقابل مکر، ممدوح است؛ و در این آیات نیز مکر و حيله خداوند سبحانه در مقابل مکر آمده و پسندیده است؛ به عبارت دیگر، خداوند به کسی حيله و خدعه نمی‌کند و کسی را فریب

نمی‌دهد؛ آنچه به نظر می‌رسد مهم است در این باب که نظر فقها نیز بر آن است این مطلب است که منشا فریب دادن و حيله کردن، جهل و نقصان است و خداوند سبحان از این نقایص مبرا است؛ ولی کسی که از هدایت خداوند روی می‌گرداند، گرفتار سخط و غضب حق تعالی می‌شود؛ این معنای دیگر "مکر خدایی" است (حسین بن محمد راغب اصفهانی، همان، ص ۴۷۱. سید علی اکبر قریشی، ۱۴۱۲، ج ۶ ص ۲۶۵، سیوطی ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۳)

در خصوص کید نیز که از واژه گان در معنای مشابه با حيله می‌باشد نیز همان جنبه ی مثبت و نفی آن مورد توجه است فلما رأى قميصه قد من دبر قال إنه من كيدك إن كيدك عظيم (یوسف ۲۸) چون شوهر دید که پیراهن از پشت سر دریده است گفت: این از مکر شما زنان است، که مکر و حيله شما زنان بسیار بزرگ و حیرت‌انگیز است. فبدأ بأوعيتهم قبل وعاء أخيه ثم استخرجها من وعاء أخيه كذلك كدنا ليوسف ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك إلا أن يشاء الله نرفع درجات من نشاء وفوق كل ذي علم عليم (یوسف ۷۶) پس (یوسف یا مأمور او) شروع در تحقیق از بارهای ایشان پیش از بار برادر کرد، آخر آن مشربه را از بار برادر خود (بنیامین) بیرون آورد. این تدبیر را ما به یوسف آموختیم، که در آیین ملک این نبود که بتوان آن برادر را به گرو بگیرد، جز آنکه خدا بخواهد (و دستوری از طریق وحی به یوسف بیاموزد. و ما که خدای جهانیم) هر کس را بخواهیم به مراتب بلند می‌رسانیم و (تا مردم بدانند که) فوق هر دانشمندی دانشمندتری وجود دارد. در این آیه مشاهده می‌نماییم که خداوند کید را به معنای تدبیر به خود نسبت می‌دهد و می‌فرماید كِدْنَا لِيُوسُفَ: تدبیر کردیم و تدبیر آموختیم برای یوسف، از بررسی این سه واژه در اهل لغت این موارد برداشت می‌شود.

۱- مکر، معمولا در کنار حيله به کار می‌رود و عموما با آن از لحاظ معنایی برابر است «مکر، فریب، نیرنگ و زرنگی، مکره، خدعه کار، مکار: حيله گر، آب زیرکاه، ناقلا، ماکر: فریبنده، بدانندیش» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۱۸۳) همچنین در لغات نامه دهخدا آمده

است در المنار برای مکر گفته شده، مکر در اصل تدبیر مخفی است که مکر شده را به آنچه گمان نمی‌کرد میکشد و اغلب در تدبیر بد بکار می‌رود. اینکه در قاموس المحيط گفته مکر، خدیثه، و در صحاح آمده مکر، احتیال، و خدیعه هر دو معنای غالب را در نظر گرفته‌اند (دهخدا، ۱۳۸۸ ش، ج ۱۷: ۶۷)

۲- خدعه، خدعه از لحاظ معنایی با مکر و حيله، نیت بد داشتن، نیرنگی که در جنگ بکار می‌رود، خداع و مخادع یعنی حيله گر و حقه باز و خدیع به معنای کسی است که در دوستی به او اعتماد نمی‌توان کرد (ابن منظور، همان، ج ۸: ۶۳) «کلمه خدعه، کلمه ای است قرآنی، هم معنا با حيله، و مشتقات آن که ۸ بار در آیات مختلف بکار رفته است» (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق: ۲۲۷) همچنین در لغت نامه دهخدا آمده است «خدعه به معنی مکر و فریب است و خدیعه به معنی خدعه، مکر و حيله می‌باشد که خدایع جمع خدعه است (دهخدا، ۱۳۳۸ ش، ج ۴: ۳۰۶)

۳- کید، کید هم همانند مکر هم بصورت مثبت و هم به صورت منفی در، ممدوح و مذموم، در اهل لغت آمده است اما آنچه به ذهن متبادر می‌شود همان معنای مذموم آن در درجه اول می‌باشد، کید، نیرنگ، تزویر، بدسگالی، و کیدی از روی مکر و حيله، (سیاح، پیشین: ۱۷۷۰)

«کید نوعی حيله است که گاهی مذموم و گاهی ممدوح است هرچند در مذموم بیشتر است بهتر است آنرا در ممدوح بودن، تدبیر معنا کنیم مثل «کذالك کدنا لیوسف» (یوسف ۷۶) (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷ ش: ۲۵)

از آنچه بیان شد به وضوح قابل رویت است که تمامی نیت و اعمالی که در آن مکر، خدعه و حيله و امثال آن به معنای مذموم بکار رفته باشد و با روح شریعت سازگاری نداشته باشد به لحاظ اسلام باطل و عمل به آن حرام می‌باشد لذا، هنگامی که با رویکرد جامعه شناختی به این واژه‌ها و نوع آسیب‌هایی که می‌توانند به جامعه مسلمین وارد کنند نگاه شود در می‌یابیم کلیه ی فریبهایی که منجر به آسیب اقتصادی به نظام اسلامی شود نه تنها

از درجه ی اعتبار ساقط است بلکه عقوبت الهی نیز خواهد داشت در این راستا کلیه ی حیلی که تحت عنوان فرار از ربا صورت می گیرد و ضربه به نظام اقتصادی ممالک اسلامی وارد می نماید باطل و حرام می باشد موید این نظر ، بیانات معمار بزرگ انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) همسو با برخی از دیگر فقهای امامیه در منع استفاده از حیل ربا می باشد.

- حیل های ربا با مقاصد احکام و حکمت تحریم که مبارزه ی با ظلم است منافات دارند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸: ۴۸۸، امام خمینی (ره) ۱۴۲۱ ه ق، ج ۲: ۵۴۴-۵۴۵)

- مخالفت حیل شرعی با دلیل عقل امام (ره) می فرماید «اگر حیل به این آسانی از حیث نتیجه مصصح رباخواری شود ، چرا رسول خدا(ص) که پیامبر رحمت است به آن آگاهی نداد تا امت در آن حرامی که اعلام جنگ با خدا و رسول است و درهمی از آن ، بزرگ تر از هفتاد زنا با محرم می باشد ، نیفتد؟ (امام خمینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۵۴۵) و همچنین چگونه امکان دارد ربایی که موجب مفساد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است و علمای اقتصاد بدان اشاره کرده اند؛ چگونه امکان دارد به وسیله ی حیل های شرعی آن را حلال کرد؟! (امام خمینی (ره) ج ۲: ۵۴۱-۵۴۰) در این راستا امام خمینی (ره) به وضوح یکی از علل تحریم حیل ربا را ضربه زدن به اقتصاد و جامعه ی اسلامی می داند لذا، در جهت پوشش نقاط ضعف ، واجب است مسلمانان از حیل ربا پرهیز کنند تا اقتصادی پویا و جامعه ای در جهت رشد و توسعه داشته باشند همچنین، محقق اردبیلی در مسئله ی حیل توقف و حکم به حرمت حیل های ربوی داده است، محقق اردبیلی در کتاب جمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان باتوجه به مقاصد تشریح احکام و حکمت آن و حرمت معاملات ربوی، با استفاده از حیل های آن مخالفت نموده اند.» (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۲ق، ج ۸: ۴۸۸) و، وحید بهبهانی در کتاب حاشیه ای بر شرح مجمع الفائدة والبرهان به مخالفت شدید با حیل های ربوی می پردازد و بکارگیری این نوع حیل ها را سبب حلیت ربا نمی داند و به اقوال

فقهای که جواز استفاده از حیل شرعی را در ربا می دهند، خدشه وارد می نماید و می گوید باید تامل کرد (بهبهانی، ۱۴۱۷ق، ج ۵۸: ۱-۲۹۱-۲۹۲-۳۱۴)

بیانات مقام معظم رهبری در مورد اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی نکاتی شایان توجه دارد که از سیاق بیانات مقام معظم رهبری بدست می آید سرمایه های کشور می بایست در جهت چرخه ی تولید ملی و رونق اقتصادی باشد نه اینکه تحت عنوان سود بانکی سدی در برابر رونق، تولید و اقتصاد اسلامی باشد لذا ایشان می فرمایند «از سیاستهای اقتصاد مقاومتی و خصوصیات اقتصاد مقاومتی، درونزایی است؛ درونزایی یعنی تولید ثروت به وسیله ی فعالیت درونی کشور انجام بگیرد؛ چشم به بیرون نباشد، نگاهمان به بیرون نباشد. در طول سالهای گذشته، در دولتهای مختلف، چندبار میخواستند از بانک جهانی یا صندوق بین المللی پول، وام بگیرند، بنده نگذاشتم؛ جلوی او را گرفتم؛ مقدمات را فراهم کرده بودند که این کار را انجام بدهند. اینکه ما از بیگانه طلب بکنیم و متعهد در مقابل بیگانه بشویم، این خطای بزرگی است؛ باید اقتصاد درونزا باشد. البته معنای درونزا بودن اقتصاد این نیست که درهای کشور را ببندیم؛ نه، ما گفته ایم «درونزا و برون گرا»^۱، به نظر می رسد یکی از معظلات وام گرفتن از دولت های خارجی براساس قاعده ی نفی سبیل^۲ ضرر وارده به جامعه ی اسلامی باشد که رهبر معظم انقلاب بادرایت و تیزبینی جلوی این اختلال در نظام اقتصادی توسط دولتهای سلطه گر را گرفته اند، از جمله مواردی که می تواند به عرصه تولید و رونق داخلی کمک شایان و قابل توجهی نماید، خروج پولهای در گردش بانکی و استفاده آن در بخش تولیدات می باشد،

^۱ بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

^۲ وَكُنْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

جامعه ای که فقط به فکر سود (ربا) نباشد، و به طریق صحیح دست به قراردادهای تجاری، تولید و... بزند نه تنها دچار معضلات ربا نمی شود بلکه چرخه اقتصاد کشور را به حرکت در می آورد توصیه فقهای اسلام نیز بر این مطلب تاکید دارد که اگر قراردادی بین طرفین منعقد میشود قرارداد صوری نباشد و تحت عنوان عقود اسلامی به آن عمل شود همانطوری که از آیت الله العظمی جواد آملی (مدظله) در خصوص سود بانک بابت سپرده‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت که از ایشان سوال شد و ایشان فرمودند «در صورتی که برابر عقود اسلامی باشد حلال است»^۱.

مؤید دیگر جامعه ای با اقتصاد پویا و مقاوم این سخن مقام معظم رهبری (مدظله) است که می فرمایند «عرض میکنم در آیه‌ی شریفه‌ی «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» به احتمال زیاد منظور از «قُوَّة» فقط قُوَّة‌ی نظامی نیست؛ البتّه قُوَّة‌ی نظامی هم هست اما فقط قُوَّة‌ی نظامی نیست. اَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ هرچه میتوانید، درون خودتان را قوی کنید. معنای این استحکام ساخت داخلی کشور که بنده مکرر می‌گویم، این است. از لحاظ علمی خودتان را قوی کنید، از لحاظ فناوری خودتان را قوی کنید، از لحاظ تولید داخلی قوی کنید، از لحاظ نفوذ در بازارهای خارجی قوی کنید، از لحاظ کشف ظرفیتهای فراوانی که در این کشور هست و هنوز استفاده نشده است، قوی کنید و این ظرفیتهای را به کار بگیرید^۲ به راستی یکی از معضلاتی که اخلال در نظام اقتصادی کشور ایجاد میکند استفاده از حیلی است که راه را برای گرفتن ربا باز می کند و جلوی چرخه تولید جامعه را می گیرد باید به این سخن مقام معظم رهبری توجه ویژه شود که می فرمایند:

^۱ استفتاها، مرکز تحقیقات، اقتصادی کاربردی و اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی

^۲ ۲۷/۱۱/۱۳۹۵ بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی

«خودمان را بایستی درست کنیم، اصلاح کنیم که از ضعفهای ما دشمن استفاده نکند. امروز چشم دوخته‌اند دشمنان ما به نیازها و کمبودها و اختلالهای اقتصادی داخل کشور. اینکه ما مرتب راجع به مسئله‌ی اقتصاد، اقتصاد مقاومتی و مانند اینها در این چند سال مرتب اول سال، وسط سال، آخر سال می‌گوییم، تکرار می‌کنیم، به‌خاطر این است که دشمن به این نقطه‌ی خاص توجه کرده است. [می‌خواهند] اقتصاد کشور را خراب کنند، وضع مردم بد باشد، جیب مردم خالی بشود، امکانات مردم کم بشود، پول مردم بی‌ارزش بشود، قدرت خریدشان کم بشود تا ناراضی بشوند؛ هدف، این است. مردم را از اسلام و از نظام اسلامی ناراضی کنند؛ این، هدف دشمن است. لذا روی اقتصاد تکیه می‌کنند برای اینکه وضع مردم خراب بشود تا به‌خاطر خرابی وضع، از اسلام و از نظام اسلامی منصرف بشوند. خب این وظیفه‌ی کیست که در مقابل این وضعیت ایستادگی کند؟ وظیفه‌ی همه؛ وظیفه‌ی دولت هست، وظیفه‌ی مجلس هست، وظیفه‌ی مسئولین گوناگون هست، وظیفه‌ی آحاد مردم هم هست. همه وظیفه داریم، باید انجام بدهیم!»

مقاصد الشریعه و اقتصادی مقاومتی

از منظر روح کلی احکام جامعه اسلامی و به لحاظ بنای عقلا در مقاصد الشریعه این موضوع حائز اهمیت است که سیره و روش عقلا بر این استوار است، هرگاه دستور و فرمانی از جانب شارع جهت رسیدن به هدف و غرضی خاص صادر شود، مادامی که آن غرض پا برجاست، حکمی مغایر با آن غرض نمی‌دهد، این مسئله که شارع دارای هدف و غرض

خاص از تشریح احکام است جزو مدرکات عقل نظری می باشد لیکن این مطلب با عقلایی بودن آن منافات ندارد و حاکم بر این مطلب هم عقل است هم عقلا (علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۹۱) هنگامی که از منظر به مقاصد الشریعه به واژه هایی مانند خدعه، حيله و مکر، نگاه شود این سوال پیش می آید که آیا تحت عنوان راه های برون رفت از تنگناها و مضایق، می شود مقاصد الشریعه، اغراض، و اهداف شارع نادیده انگاشته شود به تعبیر دیگر اگر ظاهر اعمال با باطن آن مغایرت داشته باشد مشروعیت خواهد داشت، مشهور فقهای امامیه در باب حیل شرعی بر این اعتقادند که حیل شرعی مجاز و همینکه ظاهر اعمال درست باشد کفایت می نماید و از این لحاظ برخی در تعریف حیل آورده اند " هی حفظ ظواهر قوانین الشرع و ان کان روحها غیر موجوده " حيله عبارت است از حفظ ظاهر قوانین شرع اگر چه روح قانون وجود نداشته باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۴) حنفی ها و شافعیان، معتقد به جواز حیل شرعی می باشند و ابوحنیفه بر این اعتقاد است بعضی از حیل اگر چه باطل باشد ولی امکان دارد نافذ عقد باشد همچنین بر این اعتقادند که «کل حيله هایی که جهت خلاص شدن و رهایی از حرام، و توصل به آن در جهت رسیدن به امور حلال و حسنه باشد مشروع است»، (ابی حنیفه نعمان، ۱۴۱۱ه ق، ۱۹۹۱م، ج ۶: ۳۹۰) اما در مقابل آنها مالکی ها و حنابله معنای منفی حیل را غالب می دانند و براین اعتقادند که «حيله اسبابی است که مکلف در جهت اسقاط واجب از نفس خود یا اباحه ی حرامی انجام می دهد چنانچه حيله در ظاهر بصورت غیر واجب، عملی واجب را نشان می دهد و طوری بدان می پردازد که غیر واجب جلوه می کند همچنین عمل حرام را در ظاهر حلال انجام می دهد (شاطبی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲: ۳۷۹)، در راستای اغراض و اهداف شارع مقدس امام خمینی (ره) و جمعی دیگر از فقهای امامیه استفاده از حیل شرعی را در ابواب ربا حرام و

باطل می‌دانند امام خمینی (ره) و مقدس اردبیلی در اینخصوص عقیده دارند حيله‌های ربا با مقاصد احکام و حکمت تحریم که مبارزه‌ی با ظلم است منافات دارند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸: ۴۸۸، امام خمینی (ره) ۱۴۲۱ هـ ق، ج ۲: ۵۴۴-۵۴۵)، همچنین صاحب جواهر در بحث عدم جواز برخی از حیل (حیل فرار از زکات) با تکیه به اغراض و مقاصد شارع از تشریح احکام می‌فرمایند «کل شیء تضمن نقض غرض اصل مشروع الحکم، یحکم بطلان» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۲: ۲۰۲) هرآنچه باعث و در برگیرنده نقض غرض اصلی تشریح یک حکم گردد، حکم به بطلان آن می‌گردد» نهایتاً، مشهور فقهای اسلامی، در مقامی که حيله و امثال آن به اصل دین و مقاصد الشریعه لطمه وارد کند و موضوع حکم را عوض کند به وضوح بر اساس مقاصد و اغراض شارع، حکم به بطلان و حرمت آن می‌دهند، در این راستا سختگیری‌های، حلی‌ها، مقدس اردبیلی، امام خمینی، مالکی‌ها و حنبلی‌ها درخصوص حیل ربا، موید طرق استحکام نظام اقتصادی اسلام می‌باشد و تضادی با روایات خاصه جواز استفاده از حیل شرعی ندارد بلکه این سخت‌گیری‌های راه‌های ضربه زدن به اقتصاد کشورهای اسلامی را می‌گیرد مقام معظم رهبری نیز در استفتاهاتی که از ایشان نموده‌اند به کرار معاملاتی که بویی از ربای قرضی یا معاملاتی را داشته باشد حيله‌های فرار از ربا می‌دانند و شرعاً آنرا حرام اعلام می‌نمایند^۱، و در راستای استحکام اقتصاد جامعه اسلامی، موارد جواز استفاده از حیل شرعی در عقود ختم می‌شود به اینکه اولاً از

۱ س ۱۶۲۶. اگر شخصی نیاز به مبلغی پول داشته باشد و کسی را پیدا نکند که به او قرض الحسنه بدهد، آیا جایز است برای دستیابی به آن مبلغ به این طریق عمل نماید که کالایی را به صورت نسیه به بیش از نرخ حقیقی آن بخرد و سپس آن را در همان مجلس به قیمت کمتری به فروشنده بفروشد، مثلاً یک کیلوگرم زعفران را به مبلغ مشخصی به طور نسیه برای مدت یک سال بخرد و در همان مجلس آن را به صورت نقد به شخص فروشنده به مبلغ دو سوم قیمت خرید بفروشد؟

ج. چنین معامله‌ای که در واقع نوعی حيله برای فرار از ربای قرضی است، شرعاً حرام و باطل است.

حیله جهت رسیدن به امر حرام، استفاده نشود، دوما خود حیله وسیله یا اسباب حرام در جهت رسیدن به هدف نباشد، سوما، بکارگیری حیله سبب تغییر حکم حرمت شود، اگر بکارگیری حیله، خدعه و امثال آن شائبه‌ی ضربه زدن به اقتصاد اسلامی و مردم را بوجود بیاورد، بر اساس قاعده‌ی نفی سبیل و لاضرر و لاضرار فی‌السلام، عمل به آن حرام و باطل می‌باشد.

نظر شارع در تحریم ربا ما را به این قاعده رهنمود می‌کند که کل شیء تضمن نقض غرض اصل مشروعه الحکم، یحکم بطلانه» «هرآنچه باعث و در برگیرنده‌ی نقض غرض اصلی تشریح یک حکم گردد، حکم به بطلان آن می‌گردد» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۲: ۲۰۲)، از سیاق صحبت ابوالفتوح راضی حکم ممنوع بودن نقض غرض بصورت کلی برداشت می‌شود «و پیغمبران (علیه السلام) ارتکاب قبایح نکنند و اخلالی بواجب نکنند برای آن که منفر باشد از قبول قول ایشان، و هر چه منفر باشد واجب بود که ایشان از آن منزّه باشند تا غرض قدیم تعالی منتقض نشود به بعثت ایشان، چه غرض به بعثت ایشان قبول و امثال است» (ابوالفتوح رازی، بی تا، ج ۱۱: ۲۸) علامه حلی نقض غرض شارع حکیم را منافی حکم می‌داند «فلأنه تعالی حکیم و نقض الغرض ینافی الحکمه» (حلی، بی تا، ج ۱: ۴۲۵) همچنین، قمی در کتاب جامع الشتات فی أجوبه السؤالات درخصوص «حکمت احکام» می‌فرماید: «حکمت احکام، خیلی روشن است که فرار از ربا به وسیله ضم، ضمیمه یعنی گرفتن ربای واقعی با استفاده از ضمیمه اگر جایز باشد، نقض غرض در احکام الهی، لازم می‌آید، و این اجماعاً ممنوع است» (ابوالقاسم قمی، بی تا، ج ۲: ۹۱) امام خمینی (ره) بر این نظر است معتمد روح حاکم بر احکام شریعت را می‌بایست مد نظر قرار دهد و بر اساس آن افق دید خودش را از مدلولهای لفظی احکام فراتر ببرد در این راستا صرفاً به این

موضوع که حکمی در ظاهر مطابق با قواعد و اصول استنباط باشد، راضی نمی‌شود، بلکه اگر حکمی به ظاهر مطابق با احکام شریعت، ولی در باطن با مصالح عمومی بشر در تضاد باشد حکم به بطلان آن می‌دهد و آنرا نمی‌پذیرد، امام خمینی (ره) با تدبر و دقت نظر در این مقوله که ظاهر و باطن اعمال می‌بایست مطابق با نظر، اهداف، و اغراض و مقاصد شارع مقدس باشد، برخی از روایات، حتی روایاتی را که با مصالح شریعت و روح قانون گذاری هماهنگ نیست را از دلیل سند و صحت روایت خدشه وارد می‌آورد و می‌گوید علی رقم اینکه برخی از روایت باب ربا دارای سندی صحیح است ولی بنده به لحاظ دلالت آنرا نمی‌پذیرم، ایشان در مقام استنباط احکام به حکم عقل اعتباری برای اینگونه احادیث قائل نمی‌شود و در تحریر الوسیله، می‌فرمایند «ذکروا للتخلص من الربا وجوهاً مذکوره فی الکتب و قد جددت النظر فی المسأله فوجدت ان التخلص من الربا غیر جائز بوجه من الوجوه...» برای رهایی و فرار از ربا در فقها در کتب خود مواردی را یادآور شده اند که بنده در آن تجدیدی نظر نموده ام و هیچ کدام از آنها را قبول ندارم (امام خمینی، ج ۱: ۴۶۴) و در مقامی دیگر در خصوص ربا، می‌فرمایند، «تخلص از ربا نزد اینجانب اشکال دارد، بلکه جایز نبودن آن قوی است» ایشان به این گونه احتیاط کردن در مسئله ی حیل ربا را واجب می‌دانند همچنین ایشان در کتاب بیع در خصوص ربا می‌فرمایند «ان الربا مع هذه التشديدات والاستنکارات التي ورد فيه في القرآن الكريم والسنة من طريق الفريقين مما قل نحوها في سائر المعاصي و مع ما فيه من المفاسد الاقتصادية والاجتماعية والسياسية مما تعرض لها علماء الاقتصاد كيف يمكن تحليله بالحيل الشرعية كما وردت بها الاخبار الكثيرة الصحيحة، و افتى بها الفقهاء الا من شد منهم» (امام خمینی (ره) پیشین، ج ۲: ۴۰۶-۴۰۵) با وجود این همه تشدیدها و انکارهایی که در خصوص ربا، در قرآن کریم و سنت، از طریق

شیعه و سنی، وارد شده است و مانند آن درباره سایر گناهان کمتر موردی وجود دارد و همچنین با وجود ضررهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی آن که علمای اقتصاد متعرض آنها شده اند، چگونه امکان دارد مسئله ربا با حيله های شرعی که در روایات صحیح فراوانی آمده و عده زیادی از فقها به آن فتوا داده اند، حلال شود. وی همچنین به آیات و روایاتی که در منع ربا صادر شده می پردازد همانند استدلال فوق تمامی حیل مورد استفاده در مبحث ربا را حرام می داند و در مقام توجیه آن دسته روایاتی که بر حیل شرعی ربا استدلال شده می فرماید: «لو فرض ورود اخبار صحیحۀ دالۀ علی الحیلۀ فیها ما لابد من تأویلها او ردّ علمها الی صاحبها، ضرورۀ ان الحیل لاتخرج الموضوع عن الظلم والفساد و تعطیل التجارات و غیرها ممّا هی مذکورۀ فی الكتاب والسنة... لو ورد نص فی الجواز کان مناقضاً للكتاب والسنة المستفیضة و لیس من قبیل التقیید والتخصیص... اذا کان الحکمۀ فی حرمة الربا ما ذکر من المفاسد لایجوز التخلّص عنه فی جمیع الموارد بحیث لایشد منه مورد، للزوم اللغو فی الجعل، فتحريم الربا لنکته الفساد والظلم و ترک التجارات و تحلیلہ بجمیع اقسامه و افرادہ مع تغییر عنوان لا یوجب نقصاً فی ترتب تلك المفاسد من قبیل التناقض فی الجعل أو اللغویة فیہ» (همان، ج ۲: ۴۰۹) به فرض اینکه قبول کنیم روایات مطرحه در اینخصوص، صحیح هستند و دلالت بر ربای قرضی و معاملاتی دارند، اما، می بایست به ناچار آنها را تاویل کنیم و یا فهمش را به صاحبانش برگردانیم زیرا روشن است و امری بدیهی که حيله های فرار از ربا موضوع ربا را که ظلم بر ربا گیرنده است و موجب فساد و تعطیلی تجارت و سایر مواردی که در کتاب و سنت از آن نام برده شده را خارج نمی سازد و موضوع حکم را عوض نمی کند... حتی اگر نصی هم بر جواز حیل شرعی دلالت داشته باشد معارض و مناقضی در کتاب و سنت دارد و این معارض و مناقص از قبیل مقید و

مخصص نیست که باتقید و تخصیص آنرا نادیده گرفت... در صورتی که حکمت و فلسفه‌ی مبارزه با ربا و حکم به حرمت آن به صورت روشن و صریح بیان شده و در هیچ یک از موارد فرار از ربا جوازی وجود ندارد زیرا لغویت در جعل حکم را به همراه دارد پس تحریم ربا به منظور جلوگیری از فساد و ظلم و ترک تجارتی است که بر آن مترتب می‌باشد و صورت می‌گیرد و حلال نمودن آن با تمامی اقسامی که دارد به همراه تغییر صورتی و ظاهری در عنوان ربا نقضی ایجاد، نمی‌کند و مفسد آن باقی می‌ماند لذا تناقض و لغویت در حکم حاصل می‌آید و با مقاصد شارع مقدس همخوانی ندارد، اینگونه است که امام خمینی (ره) مبنای عمل به احکام را ظاهر و باطن اعمال می‌داند و برخلاف نظر برخی از فقها که می‌فرمایند فقط ظاهر اعمال درست باشد مکلف وظیفه‌ی بندگی خویش را انجام داده است نظر می‌دهند و روح و عبودیت بندگی در معاملات و عبادات را هماهنگی بین ظاهر و باطن اعمال می‌دانند (امام خمینی (ره)، ۱۴۰۷: ج ۲)

نتیجه گیری

از جمله ممیزات دین شریف اسلام با دیگر شریعت‌ها، اتکای به قواعد خاص و عامی است که به عدد نامتناهی با حوادث جاری کثرت می‌یابد تا راهگشای طریق سعادت انسان باشد، و این قواعد انسجام دهنده‌ی قوانین در تمامی اعصار می‌باشد که موجب می‌شود، هیچ تنگنایی از باب جعل شریعت اسلام با بروز و ظهور مسائل جدید بوجود نیاید، با توسعه فضاهای گوناگون در عصر جدید و گسترش و پیچیدگی عقود و روابط کشورهای اسلامی با دیگر ممالک، کیفیت پاسخگویی به مسائل از منظر فقهای عالم اسلام با نیازهای جامعه هماهنگ شده است بر این اساس تئوری جامعه شناختی مقاصد الشریعه در اقتصاد مقاومتی

می‌بایست توجه شایانی به قصد و نیت اعمال، شود و هنگامی که پای حيله و خدعه، مکر و دیگر تعابیر آن به میان می‌آید و شائبه لطمه زدن به اقتصاد اسلامی را از دورن را دارد، حکم به بطلان و ممنوعیت آن دارد زیرا چنین عقودی نه تنها با روح شریعت و اغراض و اهداف شارع مقدس منافات دارد بلکه قوام و استحکام اقتصاد جامعه اسلامی را مورد هدف قرار گرفته و منجر به فروپاشی اقتصاد و حس اعتماد به نفس عمومی احاد جامعه می‌شود، و از طرفی، تمامی فقهای اسلامی بر این اعتقادند که جایی که پای اجنبیان به میان و می‌آید و بیم آن می‌رود که کشورهای سلطه‌گر اجنبی با قرار دادهای بانکی و غیره از بیرون، اقتصاد ممالک اسلامی را مورد حمله و تحت سلطه در آورند بر اساس قاعده‌ی نفی سبیل نه تنها می‌بایست جلوی این جریان‌ها، ایستاد بلکه می‌باید در برابر آنها به مقابله پرداخت اینجاست که بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) راهگشای اندیشمندان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اجتماعی، جهان اسلام خواهد بود و در این راستا کلیه‌ی اعمالی که با نیت سوء و به قصد حلال کردن حرام، اسقاط حق، و نادیده گرفتن امری واجب، انهدام اهداف دین یا شریعت صورت گیرد، حکم به بطلان و حرام بودن آن داده می‌شود و از طرف جریان‌های خارجی سلطه‌گر نیز کلیه‌ی اقداماتی که منجر به ضرر و زیان، خدشه به کرامت جامعه اسلامی می‌شود جزو جامعه‌ی هدف مقابله با تهدیدات قرار می‌گیرند.

منابع

- ۱) ابن قدامه مقدسی، عبدالله بن احمد (۱۴۰۵ق). **المغنی فی فقه الامام احمد بن حنبل شیبانی**، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- ۲) الأَنْصَارِيُّ الرَّوَيْفِيُّ الْإِفْرِيقِيُّ، محمد بن مكرم بن علی (ابن منظور) (۱۴۱۴). **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.
- ۳) اردبیلی، احمد بن محمد مقدس (۱۴۱۱). **مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان**، ترجمه علی پناه اشتهازدی، حسین یزدی اصفهانی، چاپ مجتبی عراقی، قم.
- ۴) بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۷). **الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة**، قم.
- ۵) بحیری، محمد عبدالوهاب (۱۳۷۶). **حیله های شرعی ناسازگار با فلسفه فقه**، ترجمه حسین صابری، مشهد.
- ۶) بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱). **صحیح البخاری**، چاپ محمد ذهنی افندی، استانبول.
- ۷) بویسیش، صالح (۱۴۲۶). **الحویل الفقهیة: ضوابطها و تطبیقاتها علی الاحوال الشخصية**، ریاض.
- ۸) بهبهانی، محمدباقر بن (۱۴۱۹). **الرسائل الفقهیة**، قم.
- ۹) بغدادی، خطیب (۲۰۰۲م). **تاریخ مدینة السلام**، بیروت.
- ۱۰) دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۸). **لغت نامه**، تهران.
- ۱۱) حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق) **وسائل الشیعة**، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- ۱۲) حرانی، ابن شعبه (۱۲۹۷). **تُحَفُ الْعُقُول**، تصحیح علی اکبر غفاری، قم.
- ۱۳) جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵). **کتاب احکام القرآن**، چاپ محمدصادق قمحاوی، بیروت.
- ۱۴) حلّی، ابن ادریس (۱۴۱۱). **کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، قم.
- ۱۵) حرانی، احمد بن عبدالحلیم (ابن تیمیة) (۱۴۱۸). **بیان الدلیل علی بطلان التحلیل**، چاپ حمدی عبدالمجید سلفی، بیروت.
- ۱۶) علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴). **تذکرة الفقهاء**، قم.

- ۱۷) حلی، جعفر بن حسن محقق (۱۴۰۹). **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، تهران: چاپ صادق شیرازی.
- ۱۸) خمینی، سید روح الله (۱۴۰۷). **تحریر الوسیلة**، چاپ اول، قم: مؤسسه دارالعلم.
- ۱۹) خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۹ش). **کتاب البیع**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۲۰) راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا). **مفردات الفاظ القرآن**، بیروت: دارالشامیه.
- ۲۱) زرعی دمشقی، محمد بن ابی بکر (ابن قیم جوزیه) (۱۹۷۳). **اعلام الموقعین عن رب العالمین**، چاپ طه عبدالرؤف سعد، بیروت.
- ۲۲) زحیلی، وهبه مصطفی، (۱۴۰۴) **الفقه الاسلامی و ادلته**، دمشق.
- ۲۳) سمرقندی، سعید بن علی (۱۴۲۶ق). **جَنَّةُ الاحکام و جَنَّةُ الخِصام فی الحیل و المخارج**، چاپ صفوة کوسه و الیاس قبلان، بیروت.
- ۲۴) سرخسی، محمد بن احمد شمس الائمة (۱۴۰۶ق). **کتاب المبسوط**، بیروت.
- ۲۵) سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۴ق). **الإتقان فی علوم القرآن**، بیروت.
- ۲۶) سیاح، احمد (۱۳۷۷ش). **فرهنگ جامع نوین**، تهران: انتشارات اسلام.
- ۲۷) شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۴۱۷ق). **الموافقات**، چاپ مشهور بن حسن آسلمان، خُبر، عربستان سعودی.
- ۲۸) شبیانی، محمد بن حسن (بی تا). **المخارج فی الحیل**، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.
- ۲۹) الشاطبی، أبو إسحق (بی تا). **الموافقات فی أصول الشریعة**، عبدالله دارز، المکتبةالتجاریة الكبرى.
- ۳۰) شبیانی، ابو بدالله احمد (ابن حنبل)، (بی تا). **مسند الامام احمد بن حنبل**، مصر: مؤسسه قرطبه.
- ۳۱) شوکانی، محمد (۱۹۷۳). **نبیل الاوطار من احادیث سیدالاکخیار: شرح متقی الاخبار**، بیروت.
- ۳۲) عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۳). **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، قم.

- ۳۳) صفی‌پور، عبدالرحیم ابن عبدالکریم (۱۲۹۶). **منتهی الارب فی لغه العرب**، ج ۱، بی‌جا: نشر کتابخانه سنایی.
- ۳۴) الطاهر بن عاشور، محمد (ابن عاشور) (بی‌تا). **مقاصد الشریعة الاسلامیة**، تحقیق محمد طاهر المیساوی، دار الفنائس.
- ۳۵) طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰). **تهذیب الاحکام**، چاپ حسن موسوی خراسان، تهران.
- ۳۶) طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷-۱۴۱۷). **کتاب الخلاف**، قم.
- ۳۷) طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۸). **المبسوط فی فقه الامامیة**، چاپ محمدباقر بهبودی، تهران.
- ۳۸) عسقلانی، ابن حجر (۱۳۰۱). **فتح الباری: شرح صحیح البخاری**، بولاق چاپ افست، بیروت.
- ۳۹) علوانی، نشوه (۱۴۲۳). **الحیل الشرعیة بین الحظر و الاباحه**، دمشق.
- ۴۰) غلامی هرساوی، حسین غیب (۱۴۲۰). **الامام البخاری و فقه اهل العراق: دراسة فی موقف البخاری من ابی حنیفة**، بیروت.
- ۴۱) عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۶۴). **المعجم المفهرس**، قاهره.
- ۴۲) فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). **القاموس المحیط**، بیروت.
- ۴۳) قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵). **الجامع لاحکام القرآن**، بیروت.
- ۴۴) قزوینی، محمود بن حسن (۱۹۲۴). **کتاب الحیل فی الفقه**، چاپ ژوزف شاخت، هانور.
- ۴۵) قمی، محمد بن جعفر بن احمد (ابن بطه) (۱۴۱۷ ق). **ابطال الحیل**، چاپ سلیمان بن عبدالله عمیر، بیروت.
- ۴۶) قریشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲). **قاموس القرآن**، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- ۴۷) کردری، محمد بن محمد (۱۴۰۱). **مناقب ابی حنیفة، در موفقین احمد اخطب خوارزم، مناقب ابی حنیفة**، بیروت.
- ۴۸) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). **الکافی**، محقق و مصحح علی اکبر غفار، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

- ۴۹) محمد بن ابراهیم (۱۹۸۳). **الحیل الفقہیة فی المعاملات المالیة**، چاپ الدار العربیة للکتاب.
- ۵۰) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). **حیله‌های شرعی و چاره جوئی‌های صحیح**، گردآوری ابوالقاسم علیان نژادی، قم.
- ۵۱) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). **بررسی فرار از ربا**، تدوین ابوالقاسم لیان نژاد، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- ۵۲) مقدسی، أبو محمد موفق الدین عبد الله (ابن قدامه) (۱۳۸۶هـ). **المغنی**، قاهره: مکتبه القاهره..
- ۵۳) نجفی، محمد حسن بن باقر (بی تا). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، بیروت.
- ۵۴) النووی، یحیی بن شرف (۱۹۳۰). **المنهاج فی شرح صحیح مسلم**، المطبعة المصریة.

